

گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران^۱

محمد عبداللهی، محمدعثمان حسین بر

در این مقاله سعی شده است پاسخی علمی به این پرسش ارائه شود که گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی چگونه است و چرا؟ فرضیه اصلی این است که گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی یعنی احساس تعلق، تعهد و وفاداری آنان به سرزمین، ملت و دولت ایران با ویژگی‌های فردی و موقعیت دانشجویان، و تعاملات اجتماعی آنان با گروه‌های اجتماعی و ورودی‌های حاصل از این نوع تعاملات نظیر احساس رضایت از زندگی دانشجویان رابطه دارد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که دانشجویان بلوچ نسبت به برخی از مؤلفه‌های هویت ملی به ویژه سرزمین و ملت ایران گرایش مثبت نسبتاً بالایی نسبت به مؤلفه سیاسی آن یعنی دولت بی تفاوت‌اند. در تحلیل نهایی متغیر میزان رضایت دانشجویان از تحصیل، کار و زندگی در ایران برجستگی خاصی پیدا کرد. به طوری که در تبیین و پیش‌بینی گرایش دانشجویان به هویت ملی بالاترین سهم را به خود اختصاص داد. یافته‌های نظری این پژوهش ضمن تأیید رابطه هویت جمعی جوانان با برخی از متغیرهای مورد توجه در دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد، ضرورت توجه به متغیرهای کلان و تلفیق این دو دسته از متغیرها را در قالب یک چارچوب مفهومی تلفیقی و جامع آشکار نمود.

مقدمه

گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران اصلی‌ترین موضوع مورد توجه در این مقاله

۱. این مقاله براساس نتایج به دست آمده از یک پژوهش علمی تهیه شده است که در سال‌های اخیر به منظور بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان بلوچ نسبت به هویت ملی در بین دانشجویان بلوچ مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های شهرستان زاهدان اجرا گردیده است.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۱-۱۲۶

است. منظور از گرایش دانشجویان به هویت ملی، احساس تعلق، تعهد و وفاداری آنان نسبت به سرزمین، ملت و دولت^۱ ایران است. هدف توصیف کیستی و چیستی یا چگونگی احساس تعلق و تعهد دانشجویان نسبت به هویت ملی در مقایسه با احساس تعلق و تعهد آنان نسبت به هویت‌های کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آن از جمله هویت‌های محلی نظیر هویت قومی و هویت‌های فراملی نظیر هویت جهانی است. در پایان مقاله پس از تحلیل عوامل و تبیین شدت و ضعف گرایش دانشجویان، سعی خواهد شد براساس یافته‌ها و با ارزیابی مقدرات و محدودیت‌ها و با توجه به سهم هریک از عوامل مؤثر بر تکوین هویت ملی، راهبردهایی مناسب در جهت تقویت گرایش جوانان نسبت به هویت ملی به‌عنوان شاکله اصلی اجتماع جامعه‌ای و شاخص عمده انسجام جمعی عام در ایران ارائه شود.

همگام با تشدید روند تحولات و تعاملات اجتماعی و گسترش دامنه و عمق آن در همه سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، موضوع تفکیک و انسجام اجتماعی و مرتبط با آن سطوح هویت‌های فردی و جمعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. امروز موضوع هویت و مسائل مربوط به آن در همه سطوح حیات اجتماعی از کوچک‌ترین آن‌ها یعنی اجتماع خانوادگی تا بزرگ‌ترین آن‌ها یعنی اجتماع بین‌المللی یا جهانی مطرح است. نگرانی والدین از هویت آینده فرزندان، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در درون جوامع چندفرهنگی و چندقومی و ملیت‌گرایی‌ها و برخوردهای بین کشورهای امروزی و پیام دبیر کل سازمان ملل متحد مبنی بر این‌که ما مردمان سرنوشت مشترکی داریم و بقای ما به هویت و تلاش جمعی عام ما بستگی دارد (عنان، ۱۳۸۰: ۹)، همه نمود تحولاتی است که در عرصه هویت‌های فردی و جمعی افراد متعلق به گروه‌های اجتماعی متفاوت پدید آمده است.

ایران هم نظیر اکثر کشورهای امروزی جهان، جامعه‌ای چندقومی است. در این نوع جوامع شکست سیاست‌های هویت‌سازی مبتنی بر هویت‌زدایی، دولت‌های غیردموکراتیک را با چالش‌های نوینی روبه‌رو کرده است. در اغلب این کشورها، زمینه‌های عینی و ذهنی بالقوه برای بروز نابسامانی‌های اجتماعی از جمله خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی، جناح‌بازی‌های سیاسی، خودخواهی‌ها و جمع‌گرایی‌های خاص‌گرایانه در جهت تأمین منافع شخصی یا گروه‌های خاص و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن‌ها وجود دارد. شدت و ضعف این نوع مسائل به عوامل عدیده‌ای چون نوع نظام و سطح توسعه اجتماعی، رشد شخصیتی افراد، شرایط داخلی و موقعیت کشور در عرصه جهانی بستگی دارد.

1. state

ایران جامعه‌ای در حال گذر یا در حال توسعه است. در چنین جامعه‌ای با فروپاشی نظام‌ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشائری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها، اقوام و ملل متفاوت، اغلب مردم به‌ویژه جوانان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارضی قرار گرفته‌اند. بسیاری از این جوانان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا عدم تشخیص الگوهای مناسب، دچار تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی می‌شوند و خود را بین سنت و مدرنیته سرگردان می‌بینند. در چنین شرایطی است که آنومی یا نابسامانی اجتماعی زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت، سرخوردگی‌های روانی، فردگرایی خودخواهانه، جمع‌گرایی خاص‌گرایانه، بی‌تعهدی، فساد اخلاقی، هنجارشکنی و اختلال در نظم و کنترل اجتماعی، تخریب منابع و پایمال شدن منافع ملی، خشونت و احساس عدم امنیت، نارضایتی و برون‌گرایی پدید می‌آورد (عبداللہی، ۱۳۷۴: ۶۵؛ ۱۳۷۵: ۱۵۹).

مقابله با این‌گونه مسائل و تحقق وحدت ملی، موقوف به احساس تعلق، همبستگی، تعهد و وفاداری مردم و اقوام و اقشار متفاوت جامعه به‌ویژه نخبگان جوان نسبت به سرزمین، تاریخ، فرهنگ، ملت، دولت و سایر مؤلفه‌ها و معرف‌های هویت و وحدت ملی و شکل‌گیری اجتماع عام جامعه‌ای مرکب از اجتماع اجتماعات قومی است. این امر در قالب ایده ملت و ملت‌سازی منشأ و مبنای مبارزات و جنبش‌های عدیده‌ای قرار گرفته است. در جوامع سرمایه‌داری توسعه‌یافته امروزی این وحدت ملی از سده هفدهم متعاقب رنسانس، انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی آغاز گردید (آندرسن، ۲۰۰۱: ۲۴۴) و تبلور عینی خود را در دولت-ملت‌ها یا دولت‌های ملی فراگیر و دموکراتیک و پذیرش اصل تکثرگرایی و اتخاذ سیاست وحدت در کثرت یا یگانگی و انسجام مبتنی بر تفاوت‌ها و هویت‌های جمعی چندگانه پیدا کرده است که امروزه از طریق جهانی شدن در حال گسترش است.

تجربه تاریخی جوامع سوسیالیستی از جمله اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی وابسته به آن، نشان داده است که وحدت ملی از طریق حکومت‌های غیردموکراتیک تمرکزگرا قابل دوام نیست (ابوطالبی، ۱۳۷۱). در ایران هم علی‌رغم مبنایی و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی هویت و وحدت ملی، تا پیش از جنبش انقلابی مشروطیت و چندین دهه بعد از آن تا تشکیل دولت مدرن در عصر پهلوی، ملت‌سازی در جهت تقویت هویت و وحدت ملی به‌صورتی فراگیر مطرح نبوده است (فراستخواه، ۱۳۷۱؛ قیصری، ۱۳۷۷). هر

یک از اقوام ایرانی صرف‌نظر از تعلقات تاریخی و فرهنگی نسبت به ایران زمین، به‌صورت یک جامعه یا یک اجتماع کوچک و نسبتاً مستقل دارای هویت قومی، اصول فرهنگی، قواعد عمل جمعی، زبان، مذهب، حکومت محلی و قلمرو جغرافیایی خاص خود بوده است. این اقوام فقط در زمینه‌های پرداخت مالیات و تأمین نیروی نظامی تابع و حامی دولت مرکزی یا پادشاهی ایران بوده‌اند. بنابراین حکومت مرکزی نه فقط تهدیدکننده هویت‌های محلی نبوده بلکه در عمل با پذیرش اصل حکومت ملوک‌الطوایفی، خودمختاری حکومت‌های محلی مبتنی بر هویت‌های قومی را به رسمیت شناخته است. به همین دلیل بین هویت‌های قومی و هویت ملی تقابل عمده‌ای که تهدیدکننده اساس این دو نوع هویت باشد کمتر پدید آمده است، مردم عادی و اقشار متفاوت به دور از تحریکات سیاسی و قومی در حال تعامل با هم بوده‌اند. درگیری‌های قومی بیشتر و عملاً جنبه سیاسی داشته و انگیزه و هدف آن کسب قدرت و ثروت بوده است. به طوری که با جابه‌جایی سرآمدان قدرت در سطوح محلی و ملی و قتل افراد و غارت اموال، این غائله‌ها فرونشسته است. اقوام ایرانی در عین برخورداری از هویت قومی، نسبت به سرزمین، تاریخ و فرهنگ ایرانی نیز احساس تعلق و تعهد می‌کرده‌اند. این احساس وفاداری در مواقع بحرانی و در برابر عوامل تهدیدکننده هویت‌های قومی یا محلی به‌صورت نوعی بازگشت به خود و مقاومت‌ها و مبارزات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تجلی پیدا کرده است (توسلی، ۱۳۷۱).

قوم بلوچ یکی از اقوام ایرانی ساکن جنوب شرقی کشور است. این قوم ریشه آریایی دارد و زبان بلوچی از زبان‌های گروه ایرانی خانواده هند و اروپایی است. اکثریت قریب به اتفاق مردم بلوچ تا اواخر سده نوزدهم در داخل مرزهای سرزمین ایران می‌زیستند. ولی با تشدید رقابت بین انگلستان و روسیه بر سر افزایش دامنه قدرت و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه و ایجاد اختلافات و برخوردهای قومی و تغییر مرزها، محل سکونت این قوم بین کشورهای ایران، هند (و بعدها پاکستان) و افغانستان تقسیم شد. امروزه بیش از ۱/۳ میلیون نفر از مردم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان و بقیه در سایر استان‌های ایران و کشورهای همجوار به‌سر می‌برند. قوم بلوچ هم‌نظیر سایر اقوام ایرانی در دوره ملوک‌الطوایفی دارای حکومت‌های محلی خودمختار بوده است. ولی بعد از روی کار آمدن رضاخان و تشکیل حکومت پهلوی، خوانین محلی از جمله خوانین قوم بلوچ هم قدرت خود را از دست دادند و تشکیلات حکومت مرکزی جای حکومت‌های محلی را گرفت. البته با توجه به ساختار عشیره‌ای قوم بلوچ سران ایلات و طوایف این قوم نظیر دیگر اقوام ایرانی همچنان از نفوذ غیررسمی برخوردار بودند. این ساختارهای سنتی متعاقب اصلاحات ارضی و نوسازی‌های عصر پهلوی از شکل افتاد و دچار چندگانگی

ساختاری گردید. حکومت پهلوی با برانداختن نظام ملوک‌الطوایفی و ایجاد تمرکز سیاسی، گسترش تشکیلات دولتی نوین در سراسر کشور و انجام اصلاحات، بسط آموزش و پرورش رسمی و رسانه‌های جمعی وابسته به دولت و اجرای برنامه‌های توسعه، زمینه لازم را برای اعمال حاکمیت سیاسی در سطح کشور ایران فراهم نمود. ولی از جانب دیگر با تمرکز قدرت و اعمال زور در ادغام و همسان‌سازی فرهنگی و اجتماعی، عمومیت بخشیدن به برخی از عناصر فرهنگی و اجتماعی قوم یا اقوام خاص به بهای کم‌توجهی به سایر اقوام و اعمال سیاست‌های توسعه نابرابر، به احساس محرومیت، تبعیض و عدم آزادی، امنیت و عدالت در مردم متعلق به سایر اقوام ایرانی دامن زد، رهبران محلی و نخبگان قومی را در جهت قوم‌گرایی و مقاومت در برابر تمرکز قدرت و سیاست‌های حکومت مرکزی تحریک نمود و موجب بروز جنبش‌های محلی و منطقه‌ای نظیر نهضت جنگل در گیلان، شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، سیمکو در کردستان، شیخ خزعل در خوزستان، محمدتقی‌خان و خداوردی‌خان در خراسان و بالأخره دوست محمدخان در بلوچستان گردید.

پس از تشکیل حکومت اسلامی و بسط نفوذ رسمی رهبران شیعی مذهب در ایران، و نقش تعیین‌کننده مذهب یا ایدئولوژی شیعی در سیاست‌های آنان، مردم قوم بلوچ که عموماً پیرو مذهب تسنن و حنفی مذهب‌اند در معرض یک چالش مذهبی قرار گرفتند که نتیجه آن تشدید گرایش به مذهب تسنن و رهبران مذهبی سنی (مولوی‌ها) بود. این امر به تقویت هویت قومی - مذهبی و تضعیف گرایش آنان به حکومت مرکزی ایران کمک کرده است. البته این امر تا حدودی در مورد برخی دیگر از اقوام ایرانی نظیر کردها هم مصداق دارد.

با توجه به مطالب فوق، چنین به نظر می‌رسد که در شرایط خاص و بسیار حساس امروزی حاکم بر ایران و جهانی که با ناپسامانی ناشی از فروپاشی امپراتوری‌ها، جهانی شدن و رشد جنبش‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه روبه‌روست، طرح صحیح مسئله هویت‌های جمعی اعم از محلی، ملی و فراملی و تحلیل علمی آن با توجه به آشکال و ابعاد چندگانه آن‌ها، ضرورت و اهمیت خاصی پیدا کرده است. حکومت جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی و برای تحقق اهداف توسعه کشور در برابر فرصت‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی نوبنی قرار گرفته است. در عرصه بین‌المللی با فرایند روبه‌گسترش جهانی شدن روبه‌روست، فرایندی که با شکستن ظروف زمان و مکان، مرزهای فیزیکی را در نور دیده و مرزهای نمادین از جمله هویت‌های ملی را به چالش کشیده است (هانتینگتون، ۱۳۷۴). با توجه به دو جریان خاص و

عام یا تفکیکی^۱ و انسجامی جهانی شدن، انتظار می‌رود که هریک از جوامع امروزی از جمله ایران ضمن برقراری و توسعه روابط منسجم با جامعه جهانی، هویت خود را نیز حفظ نماید. تحقق این امر موکول به برخورداری هریک از جوامع امروزی از هویت و وحدت ملی مبتنی بر خودشناسی و غیرشناسی، انتقادی از طریق گفت‌وگو و تفاهم بین ملت‌ها و پرهیز از هرگونه خودشیفتگی و خودباختگی است. حکومت جمهوری اسلامی ایران در درون مرزهای ملی هم با مردم متعلق به اقوام، اقشار و خرده‌فرهنگ‌های متنوع سروکار دارد که با توجه به متفاوت بودن شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ویژگی‌های شخصیتی، هریک از آن‌ها نسبت به موضوع هویت و وحدت ملی به‌ویژه در بُعد سیاسی، گرایش‌های متفاوت و بعضاً متعارضی دارند. این امر گاهی به صورت اختلافات و نزاع‌های جمعی درون‌قومی و بین‌قومی یا بین مهاجران و بومیان، نمود عملی و عینی پیدا می‌کند.

بنابراین همان‌طور که در عرصه بین‌المللی وحدت با حفظ هویت‌های ملی مطرح است، در عرصه ملی هم وحدت با حفظ هویت‌های محلی قابل تحقق خواهد بود. این امر مستلزم بازشناسی خود و دیگری و احترام به همه انواع و سطوح هویتی است. بنابراین با توجه به موارد فوق و با عنایت به جوان بودن بخش عمده جمعیت کشور و رویارویی جوانان با مسائل هویت جمعی در سطوح محلی، ملی و جهانی، شناخت علمی نگرش اقوام به‌ویژه اقوام مناطق مرزی ایران از جمله قوم بلوچ نسبت به مؤلفه‌های هویت ملی از ضرورت و اهمیت علمی و اجتماعی خاصی برخوردار است. نتایج این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند در بُعد نظری به برخی از پرسش‌های علمی پاسخ گوید و در بُعد عملی با کاربردی نیز جهت مدیریت خردمندانة مسئله هویت‌های جمعی به‌ویژه هویت و وحدت ملی و انسجام جمعی از طریق گفت‌وگو و مفاهمه بین اقوام در سطح جامعه مورد استفاده مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گیرد و آنان را در راستای تقویت عوامل و مقابله با موانع تحقق هویت ملی که حلقه واسط بین هویت‌های محلی و فراملی و سنگ بنای تنظیم و اعمال سیاست‌های محلی و فراملی است یاری رساند.

مبانی نظری

در زبان فارسی هویت^۲ به معنی صفت جوهری، ذات، هستی و وجوه منسوب به شیء یا شخص (عمید، ۱۳۶۵)؛ و آن‌چه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود (مشیری، ۱۳۶۶: ۱۱۷۷) به کار رفته است.

1. differentiation

2. identity

مفهوم هویت در منابع جامعه‌شناختی امروزی تعریف دقیق تری پیدا کرده است. در فرهنگ جامعه‌شناسی بلک ول به معنی پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر تعریف شده که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (جانسون، ۱۹۹۷). براساس دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی جامعه‌شناسی معاصر، هویت امری اجتماعی است که فرد آن را در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی کسب می‌کند. هویت با این مفهوم دارای طبقه‌بندی‌های عدیده‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها دو نوع فردی^۱ و جمعی^۲ است. هویت فردی که گاه به دو صورت شخصی و نقشی مطرح می‌شود در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران دربارهٔ خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به صورتی نسبتاً سازمان‌یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی (برآیند دیالکتیکی ذهن و عین) حائل و واسطهٔ بین دنیای درونی و برونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطهٔ او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را هدایت می‌کند. این نوع هویت که توانایی فرد را در به‌کار بردن ضمیر مفرد «من» نشان می‌دهد معرف هویت و استقلال شخصی و نقشی فرد است و معمولاً در پاسخ به این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «من کیستم و چیستم؟ و افراد دیگر کیستند و چیستند؟». ولی هویت جمعی معرف احساس تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر خانواده، طبقهٔ اجتماعی، قوم، ملت و... و احساس تعهد و وفاداری در برابر آن‌هاست. این نوع هویت که معمولاً با ضمیر جمع «ما» بیان می‌شود رابطهٔ فرد را با گروه‌های اجتماعی تنظیم می‌کند و در برابر این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «ما کیستیم و چیستم؟ و گروه‌های دیگر کیستند و چیستند؟».

هویت از هر نوعی که باشد برآیندی دیالکتیکی از دو صفت همسانی و ناهمسانی یا تشابه و تمایز^۳ بین خود و غیرخود (خودم با دیگری و خودمان با دیگران^۴) و جذب و دفع^۵ است که می‌توانند با یکدیگر رابطه‌ای مکمل، متضاد و... داشته باشند. با توجه به کثرت و تنوع گروه‌های اجتماعی در جامعه، هر فرد می‌تواند هویت‌های جمعی عدیده و متنوعی داشته باشد و در مجموعهٔ پیچیده‌ای از روابط متقارن و نامتقارن قرار گیرد. ولی با روند روبه‌تزیاید تفکیک، پیچیدگی^۶ و انسجام اجتماعی، بر تعداد، تنوع، پویایی و میزان انسجام هویت‌های جمعی افراد هم افزوده می‌شود. افراد برخی از هویت‌های جمعی چندگانهٔ خود را با عضویت در گروه‌های اجتماعی عینی و مشخص مثل هویت خانوادگی یا سازمانی و برخی دیگر را مثل هویت

1. individual identity

2. collective identity

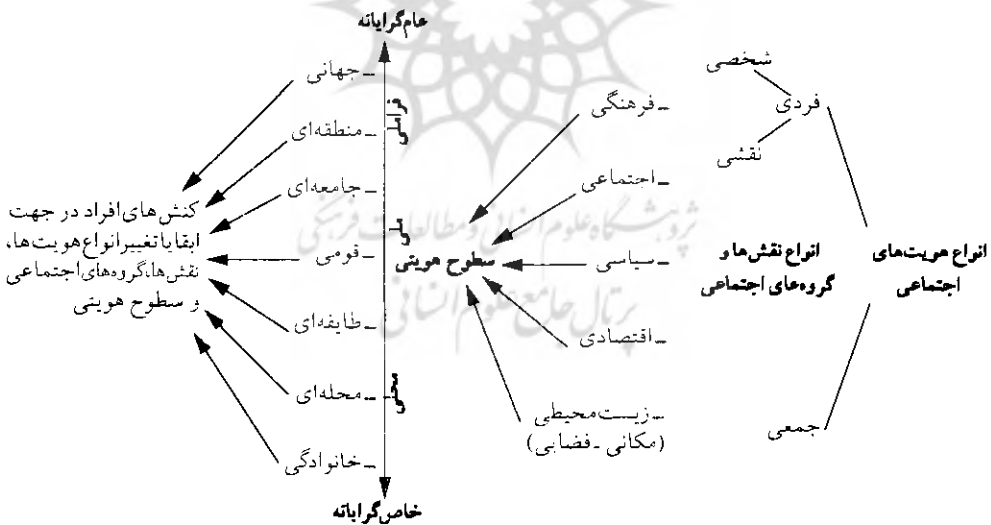
3. sameness-difference

4. my self-other; ourselves-others

5. inclusion-exclusion

6. complexity

جمعی جامعه‌ای یا ملی از طریق آموزش و در فرایند اجتماعی شدن کسب می‌کنند. بنابراین هویت ماهیتی رابطه‌ای دارد. همان‌گونه که در نمودار شماره (۱) ملاحظه می‌شود، هویت‌های فردی و جمعی هر فرد در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. تغییر و تحول آن‌ها هم تابعی از موقعیت اجتماعی، کم و کیف تعاملات و ویژگی‌های نظام شخصیتی خود فرد و ویژگی‌های افراد و گروه‌هایی است که فرد با آن‌ها در تعامل است. با توجه به این‌که افراد در طول حیات خود ابتدا در درون خانواده با مادر، پدر و پس از آن با خویشاوندان و به تدریج با همسالان و همبازی‌ها یعنی گروه‌های نخستین و به تدریج با گروه‌های دومین و... در تعامل قرار می‌گیرند، لذا روند تحول هویت‌های جمعی آنان از هویت‌های جمعی کوچک خاص‌گرایانه خانوادگی، محلی و قومی به هویت‌های جمعی بزرگ‌تر و عام‌گرایانه‌تر جامعه‌ای و جهانی سیر می‌کند (تونیس ۱۳۸۱؛ عبداللهی ۱۳۷۴: ۶۳ و ۱۳۷۵؛ کرایب ۱۹۹۸: ۵).



نمودار شماره ۱. تقسیم‌بندی انواع هویت‌ها و نوع هویت مورد توجه در این پژوهش

در تحلیل انواع هویت‌های جمعی افراد و میزان احساس تعهد و وفاداری آنان به گروه‌هایی که خود را متعلق به آن‌ها می‌دانند، با دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی عدیده‌ای سروکار داریم. دیدگاه‌های نظری را می‌توان به دو دسته خرد و کلان تقسیم نمود. در ذیل دیدگاه‌های سطح خرد حداقل دو دیدگاه ارگانیک‌گرایی و نمادگرایی قرار می‌گیرند. دیدگاه ارگانیک‌گرایی یا رفتارگرایی، نظام شخصیتی و هویت فردی و جمعی افراد را در رابطه با عوامل زیستی-روانی نظیر

احساسات و تمایلات فردی مورد بررسی قرار می‌دهد، و دیدگاه نمادگرایی آن را در رابطه با پنداشت‌ها و تفاسیر افراد تجزیه و تحلیل می‌کند. در دیدگاه‌های کلان به‌ویژه دیدگاه واقعیت اجتماعی، ویژگی‌های ذهنی و شخصیتی افراد بیشتر در ارتباط با شرایط و عوامل اجتماعی تبیین می‌شوند. امروزه در جامعه‌شناسی معاصر با پرهیز از دوگانه‌بینی‌های تقلیل‌گرایانه دیدگاه‌های خرد و کلان، تلفیق عوامل خرد و کلان مورد توجه خاص قرار گرفته است. در این مقاله سعی می‌شود قبل از ارائه چارچوب مفهومی و طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های اصلی مورد توجه، خلاصه‌ای از نتایج بررسی منابع موجود برحسب طبقه‌بندی فوق ارائه شود.

هویت در دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی سطح خرد

همان‌طوری که ذکر شد دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی هویت در سطح خرد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی دیدگاه‌ها و منابعی که در آن‌ها هویت در ارتباط با ویژگی‌های زیستی-روانی افراد مورد توجه قرار گرفته است، و دیگری دیدگاه‌ها و منابعی که در آن‌ها هویت در رابطه با ویژگی‌های ذهنی-شخصیتی افراد بررسی شده است. در ارتباط با دسته اول علاوه بر شواهد روزمره زندگی که در آن افراد از روی علایم ظاهری و مشخصات جسمانی درباره هویت دیگران قضاوت می‌کنند، می‌توان به منابع روان‌شناختی به‌ویژه افکار و آثار اریک اریکسون رجوع نمود که هویت را تابع رشد سنی و تحولات زیستی-روانی افراد می‌داند. او معتقد است که احساس هویت در مقابل سردرگمی در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی، و احساس تعلق در برابر احساس انزوا در اوایل بزرگسالی در افراد شکل می‌گیرد (جنکیتز، ۱۳۸۱: ۳۵). در برخی از منابع تجربی موجود هم رابطه هویت جمعی افراد با میزان سن و جنسیت آنان مورد تأیید قرار گرفته است. شهشانی در بحث از هویت زن ایرانی در پاریس بین افزایش میزان سن زنان ایرانی مقیم پاریس و میزان گرایش آنان به وطن و به تبع آن گرایش به بازگشت به میهن (۱۳۷۱)، و کمالی بین اعتماد اجتماعی و جنسیت یعنی محدودتر بودن اعتماد اجتماعی زنان (هویت جمعی) به گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر خانوادگی و دیگران (۱۳۸۲) به روابط معنی‌داری دست یافته‌اند. فیش‌بین و آیزن طبق دیدگاه مبادله عامل فایده‌مندی و روزن اشتیل و هروشکا عامل احساس بهره‌مندی و رضایت را در شکل‌گیری و تغییر گرایش‌های افراد مطرح کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۸-۱۱). تاجفل هم شکل‌گیری هویت جمعی را قرین دو احساس متضاد می‌داند: یکی احساس تعلق به گروه خودی که فرد در درون آن قرار دارد، و دیگری احساس تمایز یا تبعیض در برابر گروه‌های غیرخودی که فرد در بیرون از آن‌ها قرار می‌گیرد (۱۹۷۲). در این دیدگاه که بیشتر روی عوامل زیستی و روانی تأکید دارد،

هویت جمعی امری ابزاری تلقی می‌شود که فرد در انتخاب آن بیشتر به منافع فردی خود توجه می‌کند.

در ارتباط با دسته دوم، علاوه بر دیدگاه‌های نظری عدیده‌ای چون رفتار اجتماعی مید، کنش متقابل نمادی بلومر، جامعه‌شناسی پدیداری شوتس و روش‌شناسی مردمی گارفینکل، منابع تجربی قابل توجهی نیز وجود دارد که در آن‌ها روابط هویت افراد با پنداشت‌ها و ویژگی‌های ذهنی - شخصیتی آنان مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. در منابع تجربی مربوط به ایران رابطه هویت جمعی عام (ملی) افراد با عواملی چون تکثرگرایی و پذیرش تفاوت‌ها (توسلی، ۱۳۷۲)، میزان عام‌گرایی و عدالت اجتماعی، تعاملات اجتماعی و اقتدار مشروع (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۰۷)، آگاهی افراد از ارزش‌ها و سمبل‌های مشترک و میزان برخورداری از امکانات رفاهی و رضایت از زندگی (قیصری، ۱۳۷۷)، تعهد تعمیم‌یافته و تعاملات بین‌گروهی افراد (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۸) و پذیرش نقش‌های ملی - مذهبی، دیدن اماکن ملی - مذهبی و شرکت در مراسم مذهبی (آخوندی، ۱۳۷۷) مورد تأیید قرار گرفته است. کرچ، کراچفیلد و بالاچی هم عواملی چون سطح آگاهی، تعلق گروهی و ویژگی‌های افراد را در شکل‌گیری گرایش‌های آنان مؤثر می‌دانند (کریمی، ۱۳۷۷: ۷-۲۰۷).

هویت در دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی سطح کلان

در دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی سطح کلان، هویت جمعی در رابطه با شرایط و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی و فرایندهای عمده‌ای چون جهانی شدن مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. هایدگر انسان را از آن‌رو بی‌ریشه می‌داند که با گذشته خود برخوردی اصیل ندارد و علقه‌های تاریخی خود را از دست داده است (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۹). هویت خصلتی تاریخی دارد، در طی تاریخ شکل می‌گیرد و قطع پیوند تاریخی منجر به بحران هویت می‌شود (فراستخواه، ۱۳۷۱). علاوه بر کسانی چون کنت و سوروکین که تحول هویت جمعی انسان را در رابطه با مراحل عام تحولات فکری و فرهنگی در جهان مطرح کرده‌اند (کوزورت، ۱۹۷۶: ۱۲۱)، اینگلهارت تحول ارزش‌های مادی به فرامادی را قرین تحول در هویت‌های آئینی به اقناعی می‌داند (۱۳۷۳). در ایران هم رابطه تحول هویت‌های جمعی با فرهنگ جهانی (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۹)، دین (شریعتی، ۱۳۷۴) و وفاق فکری و پیوندهای اجتماعی (احمدی ۱۳۸۱: ۶۹) مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در بعد اجتماعی هم، نقش زبان در ایجاد وفاق اجتماعی لازم برای هویت جمعی عام (کاستلز، ۱۳۸۰) و تولید و بازتولید فرهنگ و هویت جامعه‌ای (شریفیان ۱۳۷۷؛ بروجردی، ۱۳۷۴) و تأثیر مثبت

تعاملات بین قومی بر تقویت هویت ملی در بین اقوام ایرانی (یوسفی، ۱۳۸۰) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در بُعد سیاسی نکته جالبی که تقریباً در همه منابع مورد تأکید و تأیید واقع شده تأثیر منفی استبداد بر رشد هویت جمعی عام است. برتن سلطه سیاسی و استثمار را قرین قوم‌گرایی می‌داند (۱۳۸۰: ۴۵). قانع‌بصری استبداد را عامل ایجاد هویت‌های متوهم یا آئینی (۱۳۷۴: ۹۳)، رمضان‌زاده تمرکز قدرت و اعمال سیاست‌های هویت‌زدایی و ادغام را قرین قوم‌گرایی و حکومت‌ستیزی (اصغری‌فرد: ۱۳۷۵: ۴۳)، و سیدامامی فشار سیاسی بر اقوام و محروم ساختن آنان از حقوق فرهنگی و اجتماعی را موجب نارضایتی و عدم مشارکت آن‌ها در حکومت (۱۳۷۷) دانسته‌اند. مایکل هشر عامل استعمار داخلی و احساس محرومیت و تبعیض و براس تلاش نخبگان برای دستیابی بر منابع ارزشمند را در تحریک و تغییر هویت‌های افراد مؤثر می‌دانند (براس، ۱۹۹۱: ۱۶). احمدی در مطالعه تطبیقی اقوام، سه عامل دولت، نخبگان و نیروهای بین‌المللی را در تغییر و تحول هویت‌های جمعی مورد توجه و تأکید قرار داده است (۱۳۷۷).

امروز بخش قابل توجهی از منابع مربوط به هویت به موضوع جهانی شدن و هویت، تحولات جهانی و تحولات هویتی، بحران هویت و بحران معنا اختصاص دارد. موضوع تحول جوامع کشاورزی (موج اول) به صنعتی (موج دوم) و اطلاعاتی (موج سوم) که مورد توجه بل قرار گرفته است تحت عناوین دیگری چون دهکده جهانی، جامعه مدرن، پسامدرن، عقلانی و شبکه‌ای توسط کسان دیگری چون مک‌لوهان، پارسونز، تورن، هابرماس و کاستلز هم مطرح شده است. با این‌که در بحث از جریان‌های جهانی و محلی دو دیدگاه مدرنیته و پسامدرنیته در برابر هم قرار دارند که اولی بر وحدت در کثرت و توسعه نهادهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و زیست‌محیطی تشکیل‌دهنده جامعه و هویت جهانی (والرشتاین، ۱۹۸۹؛ گیدنز، ۲۰۰۰: ۲۴۵؛ هابرماس ۱۳۸۰) و دومی بر جریان‌های تکثرگرایانه و تقویت اجتماعات و هویت‌های محلی تأکید می‌ورزند (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۱)، ولی به تدریج این دو دیدگاه به هم نزدیک‌تر گردیده و در واقع مکمل یکدیگر شده‌اند. امروز جهانی شدن به مثابه فرایند غیرقابل اجتنابی مطرح است که جنبه‌های عام و خاص یا انسجامی و تفکیکی آن تحت عنوان محلی-جهانی شدن^۱ هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد. انواع و سطوح متفاوت هویت‌های جمعی اعم از محلی، ملی و جهانی به موازات هم مطرح می‌شوند، به طوری که می‌توان تحقق هویت جمعی عام جهانی را قرین حفظ تفاوت‌ها و هویت‌های جمعی خاص دانست. این نوع

1. globalization

جریان‌های فکری تلفیقی امروز در جامعه‌شناسی اهمیت قابل توجهی پیدا کرده‌اند.

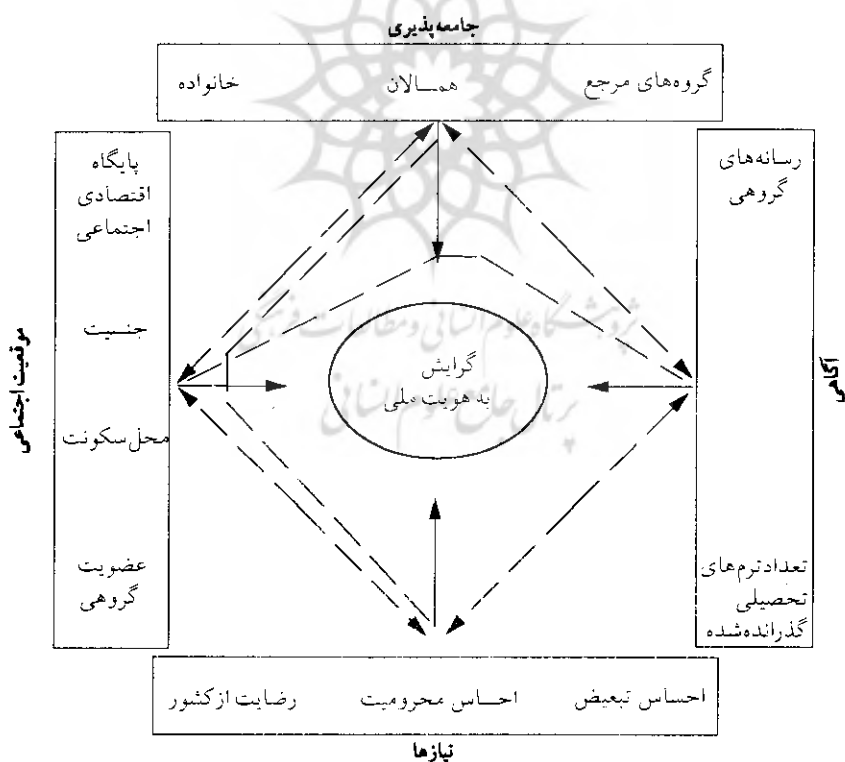
هویت در دیدگاه‌ها و منابع تلفیقی

صاحب‌نظران بزرگ جامعه‌شناسی معاصر نظیر هابرماس، گیدنز، الکساندر و... سعی کرده‌اند مفهوم هویت را از تنگنای دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه و مباحث ایدئولوژیک برهانند. هابرماس رفع مسئله سیطره عقلانیت ابزاری را در گرو گسترش حوزه عمومی لازم برای گفت‌وگوی آزاد خردمندانه در جهت رشد عقلانیت ارتباطی و دستیابی به نوعی وفاقی تفاهمی بر سر اصول و قواعد جمعی عام می‌داند که به نوبه خود زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی هویت جمعی عام اقناعی در سطح جهانی است (هابرماس، ۱۳۸۰: ۶۷). گیدنز هم بر این اعتقاد است که با کاهش نفوذ سنت و توسعه مدرنیته همراه با تفکیک و انسجام اجتماعی، امکان تحقق هویت‌های جمعی چندگانه و آزادی افراد در انتخاب آگاهانه و خردمندانه آن‌ها پدید می‌آید (۱۳۷۷: ۸۰). جفری الکساندر هم که موضوع هویت جمعی عام را در ضمن بحث از مفهوم جامعه مدنی مطرح کرده است، ضمن اشاره به موانع اقتصادی، دینی، سیاسی، جنسیتی، قومی، نژادی و طبقاتی جامعه مدنی و هویت جمعی عام، بر ضرورت رهاسازی این مفاهیم از موضع‌گیری‌های ارزشی تأکید می‌ورزد (۱۹۹۸: ۱-۱۱) و صراحت، صداقت، کرامت، دوستی، خردورزی و... را برای تعاملات منجر به شکل‌گیری جامعه مدنی و هویت جمعی عام ضروری می‌داند (۲۰۰۱: ۱۹۸). در بین منابع تجربی مربوط به هویت، می‌توان به منابعی اشاره نمود که در آن‌ها هویت در قالب دیدگاه‌های تلفیقی مورد توجه قرار گرفته است. کلهون کریگ در بررسی مفهوم ملیت‌گرایی، تحقق هویت جمعی عام در سطح جامعه را تابع شرایط و عوامل عدیده‌ای چون مرز و بوم و سرزمین مشترک، استقلال، مشروعیت سیاسی، مشارکت جمعی عام، تاریخ، زبان، فرهنگ، ارزش‌های مشترک و تفاهم بر سر اصول و قواعد جمعی عام با حفظ تفاوت‌ها می‌داند (۱۹۹۷: ۴-۵). آنتونی اپیا نیز در بحث از هویت آفریقایی، هویت جمعی را به‌عنوان امری پیچیده و چندبعدی مطرح می‌کند که با شرایط و عوامل عدیده‌ای چون جنسیت، قومیت، قشر و طبقه اجتماعی، خانواده و مذهب رابطه دارد. از ترکیب هویت‌های فردی و جمعی را «محمل مناسبی برای توسعه ملی» می‌داند (۲۰۰۱: ۳۶۷).

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود در ارتباط با هویت با تأکید بر دیدگاه‌ها و منابع تلفیقی، می‌توان گفت که هویت امری اجتماعی است. شکل‌گیری و تغییرپذیری انواع و سطوح آن در نزد هر فرد، در فرایند تعامل خود با جامعه و تحت تأثیر دو دسته از عوامل خرد و کلان از جمله ویژگی‌های فردی و نظام شخصیتی و

ویژگی‌های ساختاری و نظام اجتماعی صورت می‌گیرد. هویت جمعی افراد پس از شکل‌گیری از ثبات نسبی برخوردار است و به نوبه خود در مقام متغیری مستقل کنش‌های آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و کنش‌های افراد هم بر روی «خود» افراد و محیط آنان تأثیر می‌گذارد.

در این پژوهش گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران در سطح خرد و در ارتباط با ویژگی‌های فردی دانشجویان اعم از زیستی-روانی یا ذهنی-شخصیتی، پایگاه اجتماعی و تعاملات آنان با محیط اجتماعی و ورودی‌های حاصل از این تعاملات در نزد دانشجویان، یعنی آگاهی یا پنداشت‌ها و احساسی که درباره شرایط و عوامل محیطی خود پیدا کرده‌اند، در قالب مدل فرضی ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:



مدل شماره ۱. گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی

پرسش اساسی پژوهش این است که گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی چگونه است و چرا چنین است؟ فرضیه اصلی این است که گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی با عوامل مورد توجه در این پژوهش در سطح خرد یعنی ویژگی‌های فردی دانشجویان، موقعیت و

تعاملات اجتماعی آنان با گروه‌های اجتماعی اولیه و ثانویه و ورودی‌های حاصل از این نوع تعاملات نظیر احساس رضایت از تحصیل، کار و زندگی در ایران رابطه دارد به طوری که می‌توان گفت:

۱. هرچه پایه تحصیلی دانشجویان بالاتر باشد، گرایش آنان به هویت ملی بیشتر است.
۲. هرچه میزان بهره‌مندی دانشجویان از رسانه‌های جمعی بیشتر باشد، گرایش آنان به هویت ملی بیشتر است.
۳. هرچه میزان پیوستگی دانشجویان با نهادهای نخستین به‌ویژه خانواده کمتر و با نهادهای دومین به‌ویژه انجمن‌های علمی، هنری و... بیشتر باشد، گرایش آنان به هویت ملی بیشتر است.
۴. هرچه پایگاه اجتماعی دانشجویان بالاتر باشد، گرایش آنان به هویت ملی بیشتر است.
۵. هرچه میزان احساس رضایت از زندگی دانشجویان بیشتر باشد، گرایش آنان به هویت ملی هم بیشتر است.

روش‌شناسی

متغیر وابسته

در این پژوهش با یک متغیر وابسته و چندین متغیر مستقل سروکار داریم. گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران اصلی‌ترین متغیر وابسته مورد توجه در این پژوهش است که از سه مؤلفه ملت، سرزمین و دولت تشکیل شده است. برای هر مؤلفه مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معرف‌های مناسب در هر یک از ابعاد شناختی، ارزشی و احساسی یا آمادگی برای عمل در قالب یک مقیاس (طیف) منظور شده است. پس از سنجش اعتبار و پایایی این مقیاس، گرایش دانشجویان به هویت ملی یعنی میزان احساس تعلق، تعهد و وفاداری آنان به ملت، سرزمین و حکومت جمهوری اسلامی ایران برحسب مجموع نمراتی که در پاسخ به معرف‌ها به دست آورده، در سطح ترتیبی از مثبت تا منفی اندازه‌گیری شده است.

متغیرهای مستقل

۱. جنسیت: متغیر اسمی با دو گزینه «زن» و «مرد».
۲. پایه تحصیلی دانشجویان: تعداد ترم‌های گذرانده شده.
۳. میزان پیوستگی با گروه‌های اجتماعی نخستین مثل خانواده: متغیر ترتیبی با پنج گزینه بسیار کم تا بسیار زیاد.

۴. میزان پیوستگی با نهادهای مدنی مثل انجمن‌های علمی و هنری: متغیر ترتیبی با پنج گزینه بسیار کم تا بسیار زیاد.

۵. پایگاه اجتماعی: منظور همان پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده پدری است. یک متغیر ترتیبی که با معرف‌های میزان تحصیلات، نوع و رتبه شغلی و میزان دارایی پدر در سه گزینه، «پایین»، «متوسط» و «بالا»، اندازه‌گیری شده است.

۶. محل سکونت: متغیر اسمی با دو گزینه «شهر» و «روستا».

۷. میزان احساس تبعیض بر مبنای میزان برخورداری مردم بلوچ از حقوق شهروندی در ایران: متغیر ترتیبی با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد».

۸. میزان احساس محرومیت بر مبنای میزان برخورداری مردم بلوچ از امکانات آموزشی، بهداشتی و... در ایران: متغیر ترتیبی با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد».

۹. میزان احساس رضایت از کار، تحصیل و زندگی در ایران: متغیر ترتیبی با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد».

کلیه دانشجویان پسر و دختر بلوچ که در سه دانشگاه سیستان و بلوچستان، علوم پزشکی زاهدان و آزاد اسلامی زاهدان در مقطع کارشناسی و بالاتر در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰ در شهرستان زاهدان مشغول به تحصیل بوده‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. براساس فرمول کوکران ($n = \frac{Nt^2 s^2}{Nd^2 + t^2 s^2}$)، حجم نمونه ۱۴۵ نفر تعیین شد که در نهایت، ۱۵۴ نمونه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید.

روش تحقیق از نوع پیمایشی عرضی-منطقی^۱ است که در آن برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. برای سنجش روایی^۲ و پایایی^۳ ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری و تحلیل عاملی استفاده شده است.

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها به شیوه حضورى یعنی مراجعه پرسشگر به پاسخگو و گردآوری داده‌ها، توصیف و تحلیل آن‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شده است. در سطح توصیفی از جدول‌های یک‌بعدی و آماره‌های تمایل به مرکز یعنی میانگین^۴، میانه^۵، نما^۶ و در سطح استنباطی، نخست از جدول‌های متقاطع و آزمون‌های آماری مربوط به آن‌ها از جمله کی دو^۷،

1. cross-sectional
3. reliability
5. mean
7. Chi-square

2. validity
4. median
6. mode

ضریب توافق کرامر وی^۱، کندال^۲ تاو بی و سی، و پس از آن از تکنیک‌های تحلیل چندمتغیری^۳ به‌ویژه رگرسیون^۴ استفاده شده است.

توصیف و تبیین داده‌ها

توصیف داده‌ها

براساس خلاصه اطلاعات جدول شماره (۱) می‌توان گفت که ۶۳ درصد پاسخگویان (دانشجویان بلوچ) را پسران تشکیل می‌دهند. بیش از نیمی از آنان دارای پایگاه اجتماعی متوسطی هستند و اغلب در شهرها سکونت دارند. دانشجویان مورد بررسی به‌طور متوسط ۵ ترم تحصیلی را گذرانده‌اند. میزان استفاده آنان از رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون بسیار کم است. میزان تعامل و بیوستگی دانشجویان بلوچ با گروه‌های نخستین به‌ویژه خانواده زیاد و با نهادهای مدنی به‌ویژه انجمن‌های علمی و هنری و... بسیار کم است. میزان احساس تبعیض و محرومیت در بین دانشجویان بسیار بالاست. بیش از ۹۰ درصد آنان احساس می‌کنند که مردم قوم بلوچ در مقایسه با دیگر اقوام ایرانی به‌ویژه اقوام شیعی مذهب که در حکومت نفوذ بیشتری دارند از حقوق شهروندی و امکانات آموزشی، بهداشتی و... مناسبی برخوردار نیستند. بنابراین آن‌طور که باید، از تحصیل، کار و زندگی در ایران احساس رضایت نمی‌کنند.

دانشجویان بلوچ نسبت به برخی از مؤلفه‌های هویت ملی به‌ویژه سرزمین و ملت ایران گرایش مثبت نسبتاً بالایی دارند ولی نسبت به مؤلفه سیاسی آن یعنی حکومت جمهوری اسلامی ایران بی‌تفاوت‌اند. این بی‌تفاوتی نسبت به دولت گرایش مثبت آنان را نسبت به ملت و سرزمین ایران تحت الشعاع قرار می‌دهد به‌طوری‌که در مجموع گرایش آنان نسبت به هویت ملی (ترکیب‌شده از مؤلفه‌های ملت، سرزمین و دولت) در گزینه بی‌تفاوت (بین مثبت و منفی) قرار می‌گیرد. این امر با این واقعیت که مفهوم هویت ملی و مفهوم دولت-ملت^۵ به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی آن از دستاوردهای جوامع نوین‌اند و تحقق آن‌ها در جوامع غیر دموکراتیک عملی نیست، مطابقت دارد. دانشجویان بلوچ، رتبه قوم بلوچ را در میان اقوام ایرانی مطرح‌شده در پرسشنامه (آذری، بلوچ، ترکمن، عرب، فارس، کرد و لر) را از نظر میزان بهره‌مندی از

1. Cramer's V

2. Kendall's tau B, C

3. multivariat analysis

4. regression

5. nation-state

جدول شماره ۱. خلاصه اطلاعات توصیفی

ردیف	متغیر	حدائق	حد اکثر	شاخص های مرکزی		
				نما	میانه	میانگین
۱	جنسیت	۱. زن	۲. مرد	۲. مرد (۶۳٪)	-	-
۲	تعداد نرم های گذرانده	۱ نرم	۱۵ نرم	-	۵ نرم	۵/۳۵ نرم
۳	میزان استفاده از رسانه های جمعی	۱. خیلی کم	۵. خیلی زیاد	۱. خیلی کم (۳۶٪) ۲. خیلی کم (۵۶٪) ۳. متوسط (۲۹٪) ۴. کم (۵۰٪)	۳. کم ۱. خیلی کم ۳. متوسط ۲. متوسط	
۴	تعامل و پیوستگی با گروه های اجتماعی - نخستین خانواده	۱. خیلی کم	۵. خیلی زیاد	۵. خیلی زیاد (۳۰٪) ۱. خیلی کم (۳۷٪) ۱. خیلی کم (۳۴٪)	۴. زیاد ۲. کم ۲. کم	
۵	تعامل و پیوستگی با نهاد های مدنی	عدم عضویت	۳. زیاد	۰. عدم عضویت (۴۳٪)		
۶	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۱. پایین	۳. بالا	۲. متوسط (۵۵٪)	۲. متوسط	
۷	محل سکونت	۱. شهر	۲. روستا	۱. شهر (۶۶٪)		
۸	میزان احساس تبعیض	۱. کم	۳. زیاد	۳. زیاد (۹۱٪)	۳. زیاد	
۹	میزان احساس محرومیت	۱. کم	۲. زیاد	۳. زیاد (۸۳٪)	۳. زیاد	
۱۰	میزان احساس رضایت از کشور (زندگی، تحصیل و کار در ایران)	۱. کم	۳. زیاد	۲. متوسط (۵۰٪)	۲. متوسط	
۱۱	گرایش به ملت ایران	۱. خیلی منفی	۳. خیلی مثبت	۴. مثبت (۲۴٪)	۴. مثبت	
۱۲	گرایش به سرزمین ایران	۱. خیلی منفی	۵. خیلی مثبت	۲. خیلی مثبت (۴۱٪)	۴. مثبت	
۱۳	گرایش به دولت جمهوری اسلامی ایران	۱. خیلی منفی	۵. خیلی مثبت	۳. بی تفاوت (۴۱٪)	۳. بی تفاوت	
۱۴	گرایش به هویت ملی	۱. منفی	۳. مثبت	۲. بی تفاوت (۵۹٪)	۳. بی تفاوت	
۱۵	ارزیابی پاسخگو از رتبه قوم بلوچ در میان اقوام ایرانی از نظر بهره مندی از فرصت ها و امکانات کشور	۱. اول	۷. هفتم	۷. هفتم (۷۲٪)	۷. هفتم	
۱۶	پنداشت پاسخگویان از معیار مستولان حکومتی ایران برای ابراز توجه به اقوام ایرانی	۱. ایرانی بودن	۶. پارتی بازی	۴. نوع مذهب (۲۷٪)		
۱۷	ترتیب هویتی پاسخگویان	۱. بلوچ مسلمان ایرانی	۶. ایرانی مسلمان بلوچ	۲. مسلمان ایرانی بلوچ (۳۹٪) ۲. مسلمان بلوچ ایرانی (۱۲٪)		

فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور در ردیف آخر (هفتم) ارزیابی می‌کنند که با رتبه‌بندی استان‌ها از لحاظ سطح توسعه مطابقت دارد. آنان معیار مسئولان حکومتی جمهوری اسلامی ایران را در ابراز توجه به اقوام ایرانی، نوع مذهب می‌دانند. این امر در تضعیف گرایش اقوام غیرشیعی ایرانی به حکومت و تقویت گرایش آنان به مذهب و رهبران مذهبی خاص خود مؤثر بوده است. با این‌که ترتیب سطوح هویتی دانشجویان بلوچ «مسلمان ایرانی بلوچ» است یعنی آنان در درجه اول خود را مسلمان می‌دانند، اما نسبت به حکومت جمهوری اسلامی بی‌تفاوت‌اند و این بی‌تفاوتی روی گرایش آنان به هویت ملی تأثیر منفی گذاشته است. بنابراین می‌توان گفت که دولت‌ها به‌ویژه در جوامع در حال گذاری چون ایران، جایگاه و نقش تعیین‌کننده‌ای در تضعیف یا تقویت هویت ملی دارند. بدیهی است هرچه خصلت دموکراتیک این دولت‌ها قوی‌تر باشد نقش مؤثرتری در فرایند هویت‌سازی و تقویت هویت جمعی عام جامعه‌ای یا ملی ایفا خواهند کرد.

تحلیل داده‌ها

همان‌طور که خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی با متغیرهای مستقل مورد توجه در پژوهش (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد، بین میزان پیوستگی دانشجویان با گروه‌های اجتماعی نخستین به‌ویژه خانواده، همسالان و گروه‌های مرجع رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. براساس این اطلاعات می‌توان گفت هرچه میزان تعاملات و پیوستگی دانشجویان با گروه‌های اجتماعی نخستین بیشتر باشد نگرش آنان نسبت به هویت ملی به‌عنوان عام‌ترین هویت جمعی در سطح جامعه منفی‌تر و نسبت به هویت‌های جمعی کوچک و خاص‌گرایانه محلی (خانوادگی، محله‌ای و...) مثبت‌تر است. این امر مؤید دیدگاه کنش متقابل نمادی است که هویت افراد را محصول نوع و دامنه تعاملات آنان با دیگران می‌داند. با توجه به این‌که نوع تعاملات افراد با گروه‌های نخستین رو در رو، عاطفی و خاص‌گرایانه و همبستگی از نوع مکانیکی است، لذا می‌توان گفت که نظام شخصیتی و هویت جمعی خاص‌گرایانه آنان، زمینه‌ساز کنش‌های عاطفی است که می‌تواند در تقویت هویت‌های خاص‌گرایانه محلی و تضعیف هویت جمعی عام در سطح جامعه مؤثر باشد.

مثبت بودن رابطه بین گرایش مثبت دانشجویان به هویت ملی و میزان تعاملات و پیوستگی آنان با نهادهای مدنی به‌ویژه انجمن‌های علمی و فرهنگی و... بار دیگر دیدگاه کنش متقابل نمادی را تأیید می‌کند که بنابر آن نوع و سطح هویت جمعی افراد، تابع نوع و سطح تعاملات آنان با دیگران است. هرچه میزان تعاملات دانشجویان با نهادهای نوین بیشتر باشد زمینه

جدول شماره ۲. خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی با متغیرهای مستقل مورد توجه در پژوهش

نتایج آزمون‌های آماری							متغیرهای مستقل
در سطح اندازه‌گیری ترتیبی			در سطح اندازه‌گیری اسمی				
سطح معناداری (Sig)	گاما Gamma	کندل تاو بی و سی Kendall's tau B,C	کرامر Cramer's V	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی d.f	کای اسکور χ^2	
-	-	-	۰/۰۳۷	۰/۹۰۰	۲	۰/۲۱۲	۱. جنسیت دانشجویان (۱. زن، ۲. مرد)
۰/۸۲۱	-	-۰/۱۵۰					۲. تعداد ترم‌های گذرانده (۱ تا ۱۵)
۰/۴۸۲	۰/۰۹۷	۰/۰۵۶۱					۳. میزان استفاده از رسانه‌های گروهی (۱ - کم تا ۳ - زیاد)
۰/۰۰۲	-۰/۳۶۵	-۰/۲۲۷					۴. میزان تعامل و پیوستگی خانوادگی (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)
۰/۰۰۲	-۰/۳۴۸	-۰/۲۱۱					۵. میزان تعامل و پیوستگی با همسالان (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)
۰/۰۲۸	-۰/۲۶۶	-۰/۱۶۵					۶. میزان تعامل و پیوستگی با گروه‌های مرجع (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)
۰/۱۷۳	۰/۱۷۸	۰/۰۹۴					۷. عضویت گروهی (۰ - عدم عضویت تا ۳ - زیاد) میزان تعامل و پیوستگی با نهادهای مدنی به ویژه انجمن‌های علمی و هنری و...
۰/۷۷۵	۰/۰۴۳	۰/۰۲۴					۸. پایگاه اقتصادی - اجتماعی (۱ - پایین تا ۳ - بالا)
-	-	-	۰/۰۶۳	۰/۷۴۱	۲	۰/۵۹۹	۹. محل سکونت (۱ - شهر ۲ - روستا)
۰/۳۷۲	-۰/۲۳۱	-۰/۰۶۷					۱۰. میزان احساس تبعیض (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)
۰/۳۶۲	-۰/۱۸۴	-۰/۰۷۲					۱۱. میزان احساس محرومیت (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)
۰/۰۰۰	۰/۷۳۲	۰/۴۵۶					۱۲. میزان احساس رضایت از تحصیل، کار و زندگی در ایران (۱ - خیلی کم تا ۵ - خیلی زیاد)

مناسب‌تری برای رشد هویت جمعی عام جامعه‌ای در بین آنان فراهم می‌شود. شاید یکی از دلایل این امر که چرا دانشجویان بلوچ بیشتر در تعاملات درون‌گروهی شدید با گروه‌های اجتماعی نخستین قرار دارند و با کسب هویت‌های خاص‌گرایانه سطوح پایین، خود را بیشتر نسبت به گروه‌های محلی متعهد و وفادار ولی نسبت به دولت بی‌تفاوت می‌دانند، این باشد که آنان از تعاملات بین‌گروهی خود به‌ویژه با دولت، نظیر مشارکت جدی و فعال در انتخابات دوم خرداد، پاداش مناسبی دریافت نکرده‌اند.

بالا بودن احساس تبعیض و محرومیت قومی و مذهبی در بین دانشجویان و در کنار آن دیدگاه بی‌تفاوت آن‌ها نسبت به دولت مؤید این امر است که براساس دیدگاه مبادله، دانشجویان بلوچ از همکاری‌های قبلی خود با دولت تجربه مثبتی ندارند و علی‌رغم محرومیت شدید آن‌طوری که انتظار داشته‌اند مورد حمایت قرار نگرفته‌اند، و از همه مهم‌تر این‌که آنان توزیع پاداش در حکومت جمهوری اسلامی ایران را نه براساس ضوابط و شایستگی‌ها بلکه براساس نوع روابط و مذهب ارزیابی می‌کنند. این امر نه فقط آنان را به طرف گروه‌های محلی یا فراملی سوق می‌دهد، بلکه حتی به ستیز با دولت و گروه‌هایی وامی‌دارد که به نظر آنان از توزیع عادلانه منابع ارزشمند در بین اقوام ایرانی جلوگیری می‌کنند. روندهای خاص و عام جاری در ایران و جهان به‌ویژه خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی از یکسو و پیدایش و گسترش اقتصاد، تعاملات اجتماعی، فناوری‌ها و ارتباطات جهانی از سوی دیگر در کاهش مشروعیت دولت‌های حداکثری و تقویت‌گرایش جوانان به هویت‌های جمعی محلی و فراملی مؤثر واقع شده‌اند.

رابطه مثبت و بسیار قوی سطح هویت جمعی دانشجویان بلوچ با میزان احساس رضایت آنان از تحصیل، کار و زندگی در ایران معرف آن است که هرچه این احساس رضایت بیشتر باشد گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی در ایران مثبت‌تر و هویت جمعی عام جامعه‌ای (ملی) در بین آنان قوی‌تر است. این امر نشان می‌دهد که براساس دیدگاه مبادله، جوانان ایران نگاهی ایزاری به هویت‌های جمعی از جمله هویت ملی دارند، به‌طوری‌که عملاً با گروه‌هایی در تعامل‌اند و از نظمی حمایت می‌کنند که منافع آنان را منعکس نماید و آنان در تعامل با آن نوع هویت‌ها احساس بهره‌مندی نمایند. با رشد فردیت در بین نسل جوان ایران و فرایند جهانی شدن، این نوع نگاه و حق انتخاب آگاهانه و خردمندانه هویت‌های جمعی بیشتر تقویت می‌شود. برای کنترل آماری روابطی که در سطح تحلیل‌های دومتغیری بین متغیر وابسته (گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی) و هریک از متغیرهای مستقل اصلی مورد توجه در پژوهش، به‌دست آمده بود، از تحلیل چندمتغیری (رگرسیون) استفاده شد. با انجام این تحلیل در بین متغیرهای مستقل موردنظر، متغیر میزان رضایت دانشجویان از تحصیل، کار و زندگی در ایران

برجستگی خاصی پیدا کرد، به طوری که توانست در بین متغیرهای مستقل مورد توجه در این پژوهش بالاترین سهم در تغییرات متغیر وابسته یعنی گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران را به خود اختصاص دهد.

جدول شماره ۳. نتیجه نهایی تحلیل چندمتغیری

نام متغیر	بی B	اشتیاء استاندارد (SE)	Beta بتا	تی T	سطح معناداری Sig T
میزان پیوستگی با خانواده	-۰/۰۲۰۳	۰/۰۳۴	-۰/۰۵۴	-۰/۶۰۵	۰/۵۴۶
میزان پیوستگی با همسالان	-۰/۰۴۶۰	۰/۰۳۶	-۰/۱۲۲	-۱/۲۷۸	۰/۲۰۳
میزان پیوستگی با گروه‌های مرجع	-۰/۰۱۳۸	۰/۰۳۷	۰/۰۳۴	۰/۳۷	۰/۷۱۲
میزان رضایت از تحصیل، کار و زندگی در کشور	۰/۳۵۰	۰/۱۶۵	۰/۴۲۹	۵/۳۶۲	۰/۰۰۰

$$F = 11/829$$

$$R = 0/495$$

$$SE = 0/38$$

$$R^2 = 0/245$$

$$\text{Sig (F)} = 0/000$$

$$\text{Adjusted } R^2 = 0/244$$

یافته‌های نظری و راهبردها

یافته‌های نظری

بالا بودن میزان احساس محرومیت و تبعیض و پایین بودن میزان رضایت دانشجویان بلوچ از تحصیل، کار و زندگی در ایران و به تبع آن پایین بودن گرایش آنان به هویت ملی به‌ویژه نسبت به مؤلفه سیاسی آن یعنی دولت، مؤید دیدگاه مبادله است که در آن گرایش‌ها و رفتار انسان، تابعی از تمایلات زیستی-روانی به‌ویژه احساس بهره‌مندی و لذت از کسب پاداش در فرایند مبادلات تلقی می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که جوانان بلوچ از تعامل با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نهاد سیاسی غالب در کشور به جای احساس بهره‌مندی و رضایت، احساس تبعیض، محرومیت و عدم رضایت می‌کنند. آنان معتقدند که در جمهوری اسلامی ایران تخصیص بودجه و سایر امکانات به استان‌ها و اقوام نه براساس ضوابط و معیارهای عام، بلکه بر مبنای روابط خاص به‌ویژه هم‌سنخی مذهبی و میزان نفوذ اقوام در حکومت صورت می‌گیرد. بنابراین گرایش قابل توجهی به هویت ملی در بعد سیاسی ندارند و نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. این امر نشان می‌دهد که جوانان بلوچ، هویت ملی به‌ویژه در بُعد سیاسی آن را ابزار نوینی می‌دانند که باید از برآیند جمعی عام همه اقوام ایرانی تشکیل یابد و تبلور عینی و عملی مصالح و منافع جمعی همه آن‌ها باشد،

به طوری که هر قوم از تعامل با آن احساس بهره‌مندی و رضایت نماید. بالا بودن میزان تعاملات و پیوستگی دانشجویان بلوچ با نهادهای نخستین به‌ویژه خانواده و پایین بودن پیوستگی آنان با نهادهای مدنی به‌ویژه انجمن‌های علمی و هنری و... و به تبع آن پایین بودن گرایش آنان به هویت ملی در بُعد سیاسی مؤید یکی دیگر از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد یعنی کنش متقابل نمادی است که در آن روی فرایند اجتماعی شدن و نوع و محتوای تعاملات افراد با دیگران و پنداشت‌های آنان از واقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که در استان سیستان و بلوچستان به علت نبود یا ضعف نهادهای مدنی و ضعف عملکرد نهادهای دولتی، تعاملات درون‌گروهی و تقویت پیوستگی جوانان بلوچ با گروه‌های نخستین به‌ویژه خانواده و به تبع آن تقویت ویژگی‌های شخصیتی و گرایش‌های خاص‌گرایانه از جمله هویت‌های جمعی کوچک و محلی تشدید شده است. بنابراین می‌توان گفت که در فرایند اجتماعی شدن جوانان بلوچ نقش نهادهای نخستین از جمله ساختار خویشاوندی پدرسالارانه در جهت شکل دادن به هویت‌ها و کنش‌های خاص‌گرایانه محلی پررنگ و برعکس نقش نهادهای رسمی چون آموزش و پرورش و... نهادهای مدنی نظیر انجمن‌های علمی و هنری و... در ساختن هویت‌های جمعی عام جامعه‌ای یا ملی کم‌رنگ است.

یافته‌های نظری این پژوهش مؤید این واقعیت‌اند که در تحلیل هویت جمعی جوانان، توجه به دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد به‌ویژه دیدگاه مبادله و دیدگاه کنش متقابل نمادی لازم ولی غیرکافی است. بنابراین علاوه بر دیدگاه‌های خرد، استفاده از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی کلان و شرایط و عوامل اجتماعی و ساختاری از جمله تعریض و تعمیق تعاملات متقارن بین اقوام و اقشار ایرانی در همه سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و در همه ابعاد و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، توسعه پایدار و بسط فرایند تفکیک توأم با انسجام اجتماعی و تلفیق عوامل خرد و کلان ضروریست.

راهبردها

۱. اصلاح نوع نگاه نخبگان و مسئولان کشور نسبت به هویت جمعی عام جامعه‌ای (ملی) به عنوان نماد اجتماع اجتماعات و برآیند دیالکتیکی حاصل از تعامل بین همه اقوام و اقشار جامعه، عوامل و موانع تحقق‌بخش آن و رابطه‌اش با سایر انواع و سطوح هویتی و ایجاد زمینه ذهنی لازم برای مدیریت صحیح مسائل هویتی در ایران.

۲. ارتقاء سطح آگاهی علمی افراد درباره ویژگی‌های هویت ملی در ایران، شاخص‌ها، عوامل

و موانع تحقق آن و رابطه‌اش با سایر انواع و سطوح هویتی در ایران و جهان و ایجاد آسآدگی ذهنی لازم برای مشارکت فعال مردم در فرآیند هویت‌سازی‌های نوین مناسب با شرایط امروزی در ایران و جهان.

۳. تشویق گفت‌وگوی بین اقوام در جهت شناخت و جوه اشتراک و افتراق بین اقوام به‌منظور تقویت و جوه اشتراک و تسامح در برابر و جوه افتراق.

۴. تقویت فرآیند گفت‌وگوی بین مذاهب در جهت دستیابی به اصول و قواعد جمعی عام مشترک و تقرب و مفاهمه بین مذاهب در ایران.

۵. بسط خردگرایی و ایجاد وفاق نسبی بین افراد اقوام و اقشار مختلف بر سر اصول و قواعد عمل جمعی عام در سطح جامعه.

۶. ارتقاء عملکرد رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای ملی مؤثر در معرفی موارث تاریخی، نمادهای مشترک و آموزش و ترویج حقوق شهروندی در ایران.

۷. تهیه و اجرای برنامه‌های ایرانگردی برای جوانان متعلق به اقوام ایرانی و ایجاد تمهیدات لازم برای گفت‌وگو و مفاهمه بین‌قومی و بین‌فرهنگی در ایران.

۸. اعمال سیاست تکثر قومی و فرهنگی مبتنی بر اصل وحدت در کثرت یا انسجام جمعی عام مبتنی بر رعایت حقوق همه اقوام و احترام به هویت‌های قومی آن‌ها.

۹. اصلاح فرآیند اجتماعی شدن با تأکید بر بازسازی و توسعه نظام آموزشی کشور، مناسب با نیازمندی‌ها و شرایط و مقتضیات امروزی ایران و جهان.

۱۰. ایجاد و تقویت نهادهای مدنی مولد هویت و اخلاق جمعی عام.

۱۱. بسط عدالت توزیعی و رفع تبعیض‌ها و محرومیت‌زدایی از طریق تخصیص بهینه و عادلانه منابع ارزشمند بین استان‌ها و اقوام ایرانی.

۱۲. بسط آزادی و مردم‌سالاری و جلب مشارکت جمعی عام همه اقوام ایرانی در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی.

۱۳. تغییر ساختارهای موجود در جهت پاسخ به نیازهای زیستی-روانی و اجتماعی جوانان و ایجاد بسترهای مناسب برای تعاملاتی که افراد و به‌ویژه جوانان از طریق آن آزادی، عدالت و بهره‌مندی متقابل را تجربه و احساس نمایند.

۱۴. ارتقاء سطح توسعه پایدار و همه‌جانبه با هم‌فکری، همدلی و همگامی و همیاری همه اقوام و اقشار ایرانی (توسعه به‌وسیله مردم و برای مردم).

۱۵. توجه به پیامدهای مثبت و منفی جهانی شدن و ایجاد تمهیدات لازم برای همکاری با

نهادهای بین‌المللی و سعی در بهره‌مندی از فرصت‌ها و دستاوردهای مثبت و دوری از خطرها و عوارض منفی جهانی شدن در فرایند هویت‌سازی.

منابع

- آخوندی، محمدباقر (۱۳۷۷) *هویت ملی و مذهبی جوانان شهر مشهد*، گزارش تحقیقی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ابوظالبی، علی (۱۳۷۸) «حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی»، ترجمه علی کریمی مله، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال اول، شماره ۱، ص ۱۳۱-۱۵۳.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸) *قومیت و قوم‌گرایی در ایران - از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱) «جهانی شدن: هویت قومی یا هویت ملی؟»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۱۳-۳۷.
- اصغری‌فرد، اعظم‌السادات (۱۳۷۵) «بررسی تطبیقی شکل غالب بر الگوهای همبستگی اجتماعی در میان اقوام ایرانی (ترک و لر) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع همبستگی»، پایان‌نامه کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، تهران: نشر کویر.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۱) *فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۴) «بحثی در باب تعابیر ملی‌گرایانه از هویت ایرانی»، ماهنامه کیان، شماره ۴۷.
- برتن، رولند (۱۳۸۰) *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱) «ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی»، (مصاحبه) *ایران فردا*، شماره ۵.
- تونیس، فردیناند (۱۳۸۱) «گماین شناخت و گزل شناخت»، در *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹) «الگوی جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره ۵، ۱۰۱-۱۳۳.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی جهانی*، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۷۷) «یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، بهار، پیش‌شماره اول.
- شهشانی، سهیلا (۱۳۷۱) «هویت زن ایرانی در پاریس»، *ایران فردا*.
- شریعتی، علی (۱۳۷۴) *بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی*، تهران: الهام.
- شریفیان، احمد (۱۳۷۷) «زبان و هویت فرهنگی»، *فرهنگ و جامعه*، شماره اول.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۴) «هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دفتر اول، ص ۶۳-۸۳.

- عبداللهی، محمد (۱۳۷۵) «جامعه‌شناسی بحران هویت»، نامه پژوهش، سال دوم، پاتیز و زمستان، شماره ۳۰۲، ص ۱۲۵-۱۶۳.
- عمید، حسن (۱۳۶۵) فرهنگ عمید، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۰) «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و سوگیری عام‌گرایانه در تعاملات اجتماعی»، فصلنامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸.
- عنان، کوفی (۱۳۸۰) ما مردمان: نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم، ترجمه رضایی، تهران: نشر نگار و آفتاب.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۱) «تأملی در پارادوکس‌های هویت و اقتباس» (مصاحبه)، ایران فردا، شماره ۵.
- قانع‌بصری، محسن (۱۳۷۴) جهان انسانی و انسان جهانی، تهران: نشر توسعه.
- قیصری، نورا (۱۳۷۷) «قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار، پیش‌شماره اول، ص ۴۹-۸۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) هویت و معنی در جامعه، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه چاوشیان و خاکباز، تهران: طرح نو.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۷) روانشناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.
- کمالی (۱۳۸۲) جنسیت و اعتماد اجتماعی، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰) «جهانی شدن و بحران هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۰ زمستان، ص ۱۳-۴۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جهان رهاشده، ترجمه سعیدی، تهران: علم و ادب.
- مشیری، مهشید (۱۳۶۹) فرهنگ زبان فارسی، تهران: نشر سروش.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۱) «تجلی وجدان تاریخی در بوم هایذگر»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰) جهانی شدن و آینده دموکراسی-منظومه پسا ملی، ترجمه پولادی، تهران: نشر مرکز.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰) خرد، عدالت و نوگرایی، ترجمه حریری، تهران: نشر قطره.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰) «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، تابستان، شماره ۸، ص ۱۳-۴۳.

Alexander, J. (ed.) (1985) *Neofunctionalism* London: Sage.

Alexander, J. (2001) "The Binary Discourse of civil society". In S. Seidman & Alexander, (eds.) *The New Social Theory Reader*, London: Routledge.

Alexander, J. (ed.) (1998) *Real civil societies* London: sage.

Anderson, Benedict (2001) *Imagined Communities: on the origin and spread of Nationalism*, in Seidman and Alexadner (eds), *The New Social Theory Render*, London: Routledge.

- Appiah, Anthony (2001) "African Identity" in *The New Social Theory Reader*, Seidman and Alexander (eds.), London: Routledge.
- Brass, Paul (1991) *Ethnicity and Nationalism, Theory and Comparison*, Sage Publications.
- Calhoun, Craig (1997) *Nationalism*, Buckingham: open university press.
- Craib, Ian (1998) *Nation and Nationalism*. Oxford u.k., Blackwell, sage.
- Craib, Ian (1998) *Experiencing Identity*, sage publications.
- Cuzzort, R.P. (1976) *Humanity and Modern social thought*, Illinois: The Dryden Press.
- Castells, Manuel (1993) *The Power of Identity*, Blackwell publishers.
- Giddens, A. (1991) *Modernity and self Identity*, Cambridge: Polity.
- Habermas, Jurgen (1976) *Communication and The Evolution of society*. Boston Press.
- Habermas, Jurgen (1989) *The Structural transformation of public sphere*. Cambridge: MIT Press.
- Jenkins, R. (1996) *Social Identity*, London: Routledge.
- Johnson, Allan (1997) *The Blackwell Dictionary of Sociology*, Blackwell publishers.
- Tajfel, H. (1972) *The Context of social psychology: A Critical Assessment*. London: Academic Press.
- Tajfel, H. (ed.) (1978) *Differentiation Between Social Groups*. London: Academic Press.
- Urdang, Laurence (1997) *The Oxford thesaurus*, Oxford: Clarendon Press.
- Wallerstein, I. (1989) *The Modern World-System*, Academic Press.
- محمد عبداللہی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامہ طباطبائی است. از او کتاب‌هایی با عناوین *مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها*، *نظام‌های بهره‌برداری: مطالعه‌ای تطبیقی و نظام‌های بهره‌برداری در ایران* و مقالات عدیده‌ای در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی علم و هویت‌های جمعی به چاپ رسیده است. علائق پژوهشی او بیشتر مربوط به نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، روش‌شناسی و روش‌های تحقیق و امور فرهنگی و اجتماعی است.
- محمدعثمان حسین‌بر، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی است. علائق پژوهشی وی، هویت اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی است.